

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



نام کتاب: دانش آموز بسیجی محمد حسین فهمیده



کاري از : محمد مهدي حاجي پروانه

منبع: تبیان





شهادت دانش آموز بسیجی محمد حسین فهمیده

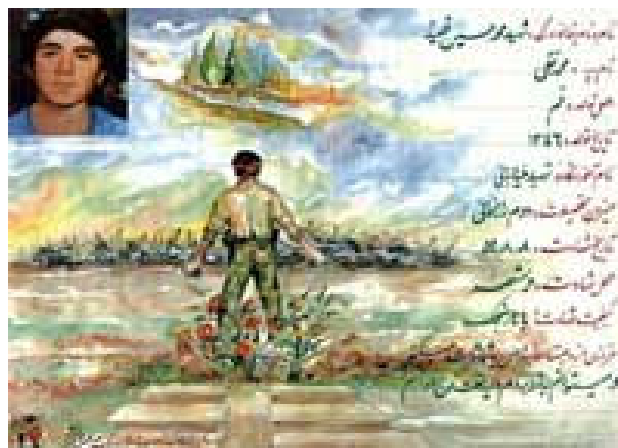
زندگی نامه

عزیمت به سوی جهاد

کیفیت شهادت

فهمیده در بیان امام و رهبری

فهمیده از نگاه آوینی



زندگی نامه

وی فرزند محمد تقی است که در خانواده ای مذهبی د ریکی از روزهای بهاری اردیبهشت 1346 (مصادف با سوم محرم) در شهر خون و قیام درخانه ای محقر و کوچک در محله پامنار قم چشم به جهان گشود. دوران کودکی را همراه سایر فرزندان خانواده و درکنار برادرش داوود که وی نیز سه سال بعد از شهادت محمد حسین به فوز شهادت نایل آمد، با صفا و صمیمیت و در زیر سایه محبت و توجه پدر و مادری مهربان ، سپری کرد . در سال 1352، به

مدرسه رفت و کلاس اول تا چهارم ابتدایی را با یک معلم روحانی طی کرد. سال پنجم ابتدایی و اول و دوم راهنمایی را به دلیل انتقال خانواده اش به کرج در دو مدرسه در این شهر گذراند. در همین دوران بود که به واسطه حوادث انقلاب، روح وی نیز، مانند میلیون ها جوان و نوجوان دیگر کشور، دچار تحولات عظیمی گردید. شخصیت او با داشتن خانواده ای متدین و مذهبی و شرایط خاص شهر مقدس قم و نیز زمینه مساعد روحی به گونه ای شکل گرفت که سرشار از دین و فرهنگ غنی اسلام بود.

از عوامل مهم دیگر در شکل گیری شخصیت او ، نوارها و اعلامیه های امام بود که قبل از انقلاب به دست او می رسید.

شهید فهمیده ، نوجوانی خوش برخورد، شجاع ، فعال ، کوشا بود که به مطالعه علاقه زیادی داشت و با وجود این که به سن تکلیف نرسیده بود، نماز می خواند و احترام خاصی برای والدینش قایل بود و هرگز به آن ها بی احترامی نمی کرد. شیفته و عاشق امام قدس سره بود و با تمام وجود سعی در اجرای فرامین امام قدس سره داشت . او می گفت : امام هر چه اراده کند، همان را انجام خواهیم داد و من تسلیم او هستم .

هنگام ورود اما م قدس سره به ایران به دلیل مصدوم بودن ، موفق به زیارت امام قدس سره نگردید، اما پس از بهبودی در اولین فرصت به شهر مقدس قم رفته و موفق به دیدار شد.



شهید فهمیده ، یکی از هزاران دانش آموز بسیجی کشور است که با نثار خون خود بر طراوت و سرخی خون شهدای انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی افزود. وی دوران کودکی و نوجوانی خود را در حالی سپری کرد که هر روز آن همراه حادثه ای بود که در شکل گیری شخصیت او موثر واقع می شد. او با سرمایه عظیمی از فهم و درک انقلابی و اسلامی به دنبال طوفان حوادث انقلاب، وارد جنگ شد و با وجود سن کم ، خود را به خونین شهر قهرمان رسانید و با اقدامی آگاهانه و شجاعانه ، نام خود را در دفتر شهیدان زنده تاریخ ثبت کرد.



این دانش آموز رزمنده بسیجی، با ایمان و بینش عمیق و استوار خود در جنگ با دشمن پیش قدم و با نیل به شهادت ، درس شجاعت ، فداکاری و مقاومت را به همه بسیجیان و امت حزب الله آموخت، امام بزرگوارمان از این نوجوان 13 ساله به عنوان رهبر یا د فرموده و بدین گونه نام و یاد او، منشا حماسه های بزرگ شد و تحول

عظیمی در شیوه های دفاع مقدس و نبرد رزمندگان اسلام ایجاد کرد و راه پیروزی و سرافرازی را یکی پس از دیگری، هموار ساخت. امروز شهید فهمیده به حق الگویی شایسته ای برای دانش آموزان بسیجی و جوانان و نوجوانان کشور می باشد و یاد آوری این حماسه می تواند یادآور دوران دفاع مقدس و ارزش های والای آن زمان باشد.



عزیمت به سوی جهاد

فهمیده دوازده ساله بود که حوادث کردستان اتفاق افتاد. او که عشق انقلاب و امام قدس سره را در سر داشت، خود را به کردستان رساند، ولی به دلیل کمی سن، برادران کمیته او را باز می گردانند و درصدد برمی آیند که در حضور مادرش از او تعهد بگیرند که دیگر از شهرستان کرج خارج نشود. ولی او رضایت نمی دهد و خطاب به آنان می گوید که خودتان را زحمت ندهید. اگر امام بگوید، به هر کجا که باشد، آماده رفتن هستم. من باید به مملکت خدمت کنم و اضافه می کند: من نمی نویسم و اگر بنویسم حرفی دروغ زده ام. حتی با تهدید به زندان حاضر نمی شود تعهد بدهد و بالاخره تنها از مادرش امضا می گیرند.

در همان روزهای نخست جنگ تحمیلی، محمد حسین تصمیم می گیرد که به جبهه برود و با متجاوزان بعثی

بجنگد . زمزمه رفتن را در خانواده و بین دوستانش می افکند. در یکی از بیمارستان های کرج خود را به یکی از دوستانش که بستری بود، می رساند و با او خداحافظی می کند و از جبهه و جنگ برای او می گوید و تکلیف الهی خود را گوشزد می کند.

یک روز که به بهانه خرید نان از منزل خارج شده بود ، مبلغ 50 تومان را به دوستش می دهد و از او می خواهد که نان را بخرد و به منزل آن ها ببرد و تصمیم خود را برای رفتن به خوزستان به او می گوید و از وی می خواهد که تا سه روز به خانواده اش خبر ندهد تا مانع رفتن او نشوند و سپس آن ها را مطلع کند . دوست او یکی ، دو روز بعد خبر را چنین می دهد که :

من رفتم جبهه نگران من نباشید.

در تهران یکی از پاسداران کمیته متوجه تصمیم او می شده و با وی صحبت و سعی می کند او را از تصمیم خویش منصرف نماید، اما موفق نمی شود . شهید فهمیده که در عزم خود راسخ بود، خود را به شهرهای جنوب کشور می رساند و هرچه تلاش می کند که همراه گروه یا دسته ای که عازم خطوط مقدم جبهه هستند، برود ، موفق نمی شود. تا با گروهی از دانشجویان انقلابی دانشکده افسری برخورد کرده و به نزد فرمانده آنان می رود و از او می خواهد که وی را با خود ببرند. فرمانده امتناع می کند، اما شهید فهمیده ، آن قدر اصرار می کند تا فرمانده را متقاعد می کند که برای یک هفته او را همراه خود به خرمشهر ببرد. در این مدت کوتاه هر کاری که پیش می آید حسین پیشقدم شده و استعداد و قابلیت خود را در همه کارها نشان می دهد. در همین مدت کوتاه حضور در خرمشهر با دوستی که در آن جا پیدا کرده بود، یعنی محمد رضا شمس ، هر دو مجروح می شوند و آن دو را به بیمارستان منتقل می کنند و علی رغم مخالفت فرمانده آن گروه و با حالت مجروحیت، دوباره به خطوط مقدم در خرمشهر بر می گردد. درحین برخورد با

فرمانده و پس از ممانعت وي از حضور در خط مقدم،
چشمان حسين پراز اشک شده و با ناراحتي به فرمانده
مي گويد:



**من به شما ثابت مي کنم که مي توانم به خط
بروم ولياقت آن را دارم.**

او براي اثبات لياقت خود يک با ر به تنها يي به ميان
عراقي ها رفته و لباس و اسلحه اي از عراقي ها به دست
مي آورد و در هيئت يک عراقي به نيروهاي خودي نزديک
مي شود، به طوري که رزمندگان مشاهده مي کنند
که يک عراقي کوچک به طرف آنان مي آيد! مي
خواهند به او شليک کنند، که يکي از آنان مي گويد،
صبرکنيد با پاي خودش بيايد تا اسيرش کنيم . هنگامي
که نزديک مي شود، مي بينند حسين است که خواسته
ثابت کند که مي تواند با دست خالي هم با عراقي ها
بجنگد و شهامت و لياقت حضور در خط مقدم را دارد.

مسوول گروه که به توانمندي و توانايي واراده پولادين
حسين براي رزم د رجهه اعتماد واطمينان پيدا مي کند،
به او اجازه ماندن د رجهه را مي دهد.



کیفیت شهادت

از آن پس او به اتفاق دوست شهیدش محمد رضا شمس ، در یک سنگر قرار داشتند تا درهجوم عراقی ها به خرمشهر محاصره می شوند.

محمد رضا شمس ، دوست و هم سنگر حسین زخمی می شود و حسین با سختی و زحمت زیاد او را به پشت خط می رساند و به سنگر خود بر می گردد و می بیند که تانک ها ی عراقی (ظاهرا 5 دستگاه) به طرف رزمندگان اسلام هجوم آورده و در صدد محاصره آن ها هستند.

حسین درحالی که تعدادی نارنجک به کمرش بسته و در دستش گرفته بود به طرف تانک ها حرکت می کند. تیری به پای او می خورد و از ناحیه پا مجروح می شود. اما زخم گلوله نمی تواند از اراده محکم و عزم پولادین او جلوگیری نماید. بدون هیچ دغدغه و تردیدی تصمیم خود را عملی می کند و از لا به لای امواج تیر که از هر سو به طرف او می آمد، خود را به تانک پیشرو می رساند و آن را منفجر می کند و خود نیز تکه تکه می شود . افراد دشمن گمان می کنند که حمله ای از سوی نیروهای ایرانی صورت گرفته است ، جملگی روحیه خود را می بازند و با سرعت تانک ها را رها کرده و فرار می کنند. در نتیجه ، حلقه محاصره شکسته می شود و نیروهای کمکی هم می رسند و آن قسمت را از وجود متجاوزان پاک سازی می کنند.



فهمیده در بیان رهبري

رهبر معظم انقلاب ، مي فرمایند:

زنده نگه داشتن یاد حادّته شهادت دانش آموز بسیجی ، شهید فهمیده از اصالت های دفاع مقدس می باشد .

مقام معظم رهبري د ر دیدار با خانواده او در رابطه با فداکاری و شجاعت او فرمودند:

بروز چنین حوادثي که از تربیت صحیح و اصالت های خانوادگی است ، صرفاً در محیط های اسلامی جلوه گری و نور افشانی می کند.



فهمیده از نگاه آوینی

سید شهیدان اهل قلم ، حاج مرتضی آوینی ، در قسمتی از برنامه پنجم روایت فتح با نام شهری در آسمان شهادت محمد حسین فهمیده را این گونه زیبا ترسیم می کند:

خرمشهر، از همان آغاز خونین شهر شده بود. خرمشهر، خونین شهر شده بود. آیا طلعت را جز از منظر این آفاق می توان نگریست ؟ آنان در غربت جنگیدند و با مظلومیت به شهادت رسیدند و پیکرهای شان زیر تانک های شیطان تکه تکه شد و به آب و باد و خاک و آتش پیوست . اما... راز خون آشکار شد. راز خون را جز شهدا در نمی یابند. گردش خون در رگ های زندگی شیرین است . اما ریختن آن در پای محبوب ، شیرین تر.

... شایستگان آنانند که قلبشان را عشق تا آن جا انباشته است که ترس از مرگ جایی برای ماندن ندارد. شایستگان جاودانانند. حکمرانان جزایر سرسبز اقیانوس بی انتهای نور، که پرتوی از آن همه کهکشانشان آسمان دوم را روشنی بخشیده است.



خبر شهادت حسین فهمیده

صدای جمهوری اسلامی ایران با قطع برنامه های خود اعلام می کند که نو جوانی سیزده ساله با فداکاری زیر تانک عراقی رفته آن را منفجر کرده و خود نیز به شهادت رسیده است . امام قدس سره در پیامی که به مناسبت دومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی صادر می کنند، جملات معروف خود را پیرامون او می فرمایند:

رهبر ما آن طفل سیزده ساله ای است که با قلب کوچک خود که ارزشش از صدها زبان و قلم بزرگ تر است، با نارنجک ، خود را زیر تانک دشمن انداخت و آن را منهدم نمود و خود نیز شربت شهادت نوشید.

به این ترتیب و با این کلمات ، حسین و فداکاری و شجاعت او جاودانه شد. بقایای پیکر شهید حسین فهمیده در بهشت زهرا، قطعه 24، ردیف 44، شماره 11،



به خاک سپرده می شود.